

######

###### azad

###### **دانشگاه آزاد اسلامي**

######  **واحد تهران مرکز**

**موضوع:**

**معرفي امنيت زیستي به عنوان روشي براي كاهش بيماريهاي عفوني**

**استاد راهنما:**

**دانشجو:**

**مقدمه**

با وجود بهبود شرايط زندگي هنوز هم بيماريها پس ازبلاياي طبيعي مهمترين عوامل آسيب زننده‌اي بشمار مي‌آيند كه تاكنون مهار نشده‌اند و خسارات مالي و جاني فراواني به بار مي‌آورند. بيماريها اين دشمنان قديمي ك احتمالاً‌ قدمتي برابر با ظهورحيات برروي زمين دارند معلول علت‌هاي گوناگوني هستند. اين مفهوم كه بعضي نشانه‌ها و بيماريها داراي علت هستند يك باور باستاني به قدمت تاريخ مكتوب است. بنا به اعتقاد مرمم آركارديا[[1]](#footnote-1)( 2500 سال قبل از ميلاد مسيح) اگر شخصي بيمار مي‌شد يا تقصير خود او بود( بعلت ارتكاب گناه) يا اينكه براثر عوامل بيروني بيمار شده‌بود، از قبيل بوهاي بد، سرما، ارواح خبيثه، و يا خدايان، ساليان سال پژوهش در علوم پزشكي دلايل ايجاد بيماريها را تا حدود زيادي مشخص كرده‌است. دردنياي امروز دودسته اصلي عوامل سبب‌ساز،[[2]](#footnote-2) شناسايي شده‌اند:

 درون زايا ارثي و برون‌زا يا اكتسابي، شناسايي يا كشف علت اوليه هنوز مبنايي است كه براساس آن يك تشخيص مي‌تواند مطرح گردد يك بيماري شناخته شود و درماني يا روشي براي رهايي از آن پايه‌ريزي شود. اما امروزه اين مفهوم كه هر بيماري يك عامل ايجادكننده دارد ديگر قانع‌كننده نيست. روشن است كه عوامل ژنتيكي، بوضوح در برخي بيماريها متداول زيست محيطي مانند روندهاي سرطان‌زايي، دخالت دارند، در ضمن محيط زيست نيز اثرات مهمي بر بعضي بيماريهاي ارثي دارد(13). ا ز ميان اين گروه بيماريهاي اكتسابي مطرح‌تر و متداول‌تر هستند و طيف وسيعتري از جوامع را درگير و مبتلا مي‌كنند. عواملي كه سبب بروز اين بيماريها ميشوند شامل عوامل فيزيكي، شيميايي زيست‌شناختي[[3]](#footnote-3) و روانشناختي[[4]](#footnote-4) هستند و نه تنها در زمينه آسيب‌شناسي بيماريهاي انساني مطرح مي‌شوند، بلكه بعنوان عوامل آسيب‌رسان عمومي براي تمامي موجودات زنده عالي محسوب شده‌اند و در صنعت طيور نيز نقش مهمي دارند. بطوركلي عوامب فيزيكي محيط عبارتند از: گرما( حرارت)، سرما(برودت)، رطوبت، فشار، نور، سروصدا، ارتعاشات و ضربه‌ها و تشعشعات بايد گفت كه اگر اين عوامل از حدود لازم و قابل تحمل بالاتر و زيادتر بوده و يا در بعضي از مواقع در صورتي كه از حدود توصيه‌شده در استانداردها كمتر يا پائين‌تر باشند ايجاد عوارض و يا مسائل خاصي را خواهند نمودو لازم است كه در هر مورد به رفع نقيصه اقدام شود(20).

 بطوركلي در محيطكار تأمين سلامت توليدكنندگان و بالارفتن سطح توليد مورد نظر كارشناسان و صاحبان منافع و ضامن بازدهي اقتصادي بيشتر است و در اين راه وجود هواي كافي، تأمين نور مناسب و حرارت لازم در درجه اول اهميت بويژه در صنعت طيور خواهد بود.

 مواد محرك و التهاب‌آوري همچون گاز آمونياك، تركيبات خفه‌كننده‌اي مثل مونوكسيدكربن ناشي از سوخت ناقص گازوئيل ذرات معلق مثل گردوغبار و مواد شيميايي خورنده وسوزاننده مثل ضدعفوني‌كننده‌هاي قوي متداولترين عوامل شيميايي بيماريزا براي پرندگان در سالنهاي پروش هستند. اختلالات تغذيه‌اي را نيز مي‌توان جز اين دسته طبقه‌بندي نمود.عوامل زيست‌شناختي به تمام اشكل حيات از تركيبات (مانند پروتئين‌ها) و ويروسها، باكتريها و قارچها و تك‌ياخته‌ايها تا كرمهاي انگلي چند سانتي‌متري اشاره مي‌كند علاوه بر اين دستجات گوناگوني از بندپايان وجود دارند كه انگل خارجي هستند و مي‌توانند از يك صدمه كوچك به پوست تا يك كم‌خوني كشنده را ايجاد نمايند. اين عوامل از دو جهت حائز اهميت و بررسي هستند. نخست به دليل زيانهاي اقتصادي و فرواني كه با مرگ‌ومير طيور و يا كاهش شديد و بازدهي توليد برجاي مي‌گذارند و در نهايت بخاطر تأثيري كه بر سلامت عمومي جامعه دارند؛ مهم و مورد توجه هستند. هرچند كه احتمال انتقال بيماري ازماكيان كمتر از ساير حيوانات پرورشي و از ميان بيماريهاي مشترك ثبت شده‌اند نيز مواردي چون آلودگي با جرب يا قارچ و يا سب بسيار نادر هستند و فقط مواردي چون آلودگي محصولات نهايي با باكتريهاي كامپيلوباكترر، سالمونلا، اشرشياكولاويرسينا اهميت دارند، بازهم اين مسئله بعنوان يك خطر جدي مطرح مي‌شود. ضرورت مهار برخي از عوامل زيست‌شناختي چون ويروس آنفولانزاي طيور در آن هنگامر مشخص‌تر مي‌شود كه احتمال انتقال ويروس را به انسان‌ها و حتي از فردي به فرد ديگر مدنظر قرار گيرد. بويژه با توجه به اين شيوع اخير سويه فوق‌ حاد H7N3 در كشور پاكستان و حضور تيپ N2 وH در مرغداريهاي صنعتي ايران و در چرخش‌بودن دو تحت تيپ مذكور در منطقه و امكان انتقال سويه‌هاي ديگر از شرق دور و چين و روسيه به ايران كه بوسيله پرندگان مهاجر امكان‌پذير است و احتمال بازآرائي ژنتيكي و ويروسهاي بومي؛ توجه به پايش[[5]](#footnote-5) عوامل زيست شناختي بيماريزا همچون اين نمونه بسيار لازم و حياتي است.

 تاكنون به نظر مي‌رسد كه تمامي بيماريهاي طيور بوسيله عوامل فيزيكي، شيميايي و زيست‌شناختي(عفوني) ايجاد مي‌شوند. ولي امروزه اين پيش‌فرض ك در بيماريهايي چون همنوع‌خواري[[6]](#footnote-6) علاوه بر اختلالات تغذيه‌اي، ارثي و مديريتي؛ فشارهاي رواني هم تأثير به سزايي دارند، مورد بحث و بررسي قرار گرفته‌است. اين عقيده عمومي پذيرفته شده كه فشارهاي رواني[[7]](#footnote-7) چون حضور افراد ناشناخته در محيط زندگي و با حمل‌ونقل و تزريقات به فعال‌شدن باكتريهاي فرصت‌طلب كمك مي‌كند نيز همچنان مورد مطالعه است. اين نگاه جديد به تأثير عوامل روانشناختي تا آنجا پيش رفته است كه طرح خارج‌سازي مرغان تخم‌گذار قفس، نه تنها از سوي سازمانهاي حمايت از حقوق حيوانات بلكه از سوي برخي پرورش‌دهندگان بعنوان راهي براي افزايش مقاومت در برابر عوامل آسيب‌رسان و بازدهي توليد، ارائه شده‌است.

(طبق گزارشات انجمن پژوهشهاي مغزي[[8]](#footnote-8) ) هزينه‌هاي مستقيم اختلالات مغزي (بيماريهاي رواني، بيماريهاي عصبي، سوء مصرف الكل و سوء مصرف مواد مخدر) در امريكا ساليانه بيش از 400 ميليارد دلار است و هزينه‌هاي تنها يك اختلال يعني زوال عقل( كه عمده‌ترين نمونه آن بيماري آلزايمر است) بيش از مجموع هزينه‌هايي است كه سرطان و بيماريهاي عروق كرونرقلب بر اين دولت تحميل مي‌كند. هزينه‌هاي مستقيم ارائه‌شده در حدود  كل هزينه‌هاي مراقبتهاي بهداشتي در سال 1991 در ايالات متحده مي‌باشد تخمين زده شده‌است كه هزينه‌هاي غيرمستقيم( آسيب به نيروي كار فعال و توليد ناخالص ملي) بيش ا هزينه‌ها ي مستقيم است با اين حال در اين كشور بازاي هر 100 دلار كه براي مراقبت از مبتلايان به بيماري آلزايمر صرف شده، تنها 50 تست صرف پژوهش و تحقيقات شده‌است. بسياري از اختلالات رواني شناخته‌شده با تغييرات شديد و ناهمآهنگ وضعيت زندگي و شهرنشيني و زندگي صنعتي ارتباط معني‌داري دارند. به همين دلايل فرص كه تغييرات اساسي در شيوه زندگي حيوانات پرورشي در توليد فشارهاي عصبي و تهديد سلامتي آنها كه امروزه برخلاف عادات طبيعي صدها ساله بطور بسيار متراكم نگهداري مي‌شوند؛ مؤثر هستند اهميت قابل توجهي يافته‌است ولي هيچگونه تحقيقات مستقل قابل اعتمادي در زمينه خسارات احتمالي اينگونه فشارها برروي كاركرد اقتصادي، مزارع پرورشي دردست نيست.

 بطوركلي بيماري در نتيجه برهم‌خوردن هم‌ايستايي[[9]](#footnote-9) دروني بدن ايجاد مي‌شود. اصطلاح هم‌ايستايي توسط فيزيولوژيست‌ها بمعناي ثابت نگهداشتن مشخصات طبيعي محيط داخلي بدن بكار مي‌رود. اساساً هر موجود زنده‌اي ساختار منسجم و سازمان‌يافته‌اي شامل ميلياردها سلول است كه تلاش مي‌كنند با همآهنگي يكديگر اين ثبات و پايداري را برقرار سازند تا با حفظ حالت طبيعي محيط داخلي بدن كليه سلولها به زندگي و عملكرد مناسب خود ادامه دهند. اين رابطة متقابل يك خودكاري مداوم براي بدن فراهم مي‌كند تا در برابر نيروهاي محيطي مخالف ايستادگي كند و زماني كه يك يا چند سيستم عملي توانائيشان را براي ايفاي سهم خود در اين خودكاري از دست بدهند، تمامي سلولهاي بدن تحت تأثير قرار مي‌گيرند و اين اختلال عمل منجر به بروز بيماري خواهد شد و در صورتيكه اختلال عمل فوق‌العاده شديد باشد منجر به مرگ مي‌شود. در صورتيكه حاصل‌جمع برآيند نيروهاي سازنده دورني با نيروهاي بازدارنده و يا مخرب دروني به دليل ناتواني يا ضعف اين عوامل، قدرت مقاومت بالاي بدن در برابر آنها و يا تأثير عوامل محيطي ديگر به نفع نيروهاي پيشبرنده داخلي باشد امنيت جاني و سلامت جسمي برقرار خواهد مان و بيماري بروز نخواهد كرد.

1. - آركارديا (arcardia)ناحيه‌اي كوهستاني در يونان است. [↑](#footnote-ref-1)
2. - Etiologic [↑](#footnote-ref-2)
3. - Biologic [↑](#footnote-ref-3)
4. - Psychdogic [↑](#footnote-ref-4)
5. - Control [↑](#footnote-ref-5)
6. - Cunibalism [↑](#footnote-ref-6)
7. - Psychological [↑](#footnote-ref-7)
8. - National Fundaiton for Barn Research - USA [↑](#footnote-ref-8)
9. - homostasis [↑](#footnote-ref-9)